

## کفویت زوجین

غلامرضا نائینی

### چکیده

ازدواج یکی مهمترین مراحل زندگی است، که اسلام اهمیتی ویژه ای، بر آن قائل است. قرآن علاوه بر اینکه بر ازدواج اهتمام می‌ورزد؛ ازدواج را عامل آرامش، مودت و رحمت می‌داند و در راستای رسیدن به این آرامش، ملاک‌های را برای انتخاب همسر بیان می‌کند. مهمترین شاخصه‌ای که بر دیگر شاخصه‌ها ارجحیت دارد؛ هم کفو بودن زوجین است؛ که در روانشناسی و جامعه‌شناسی خانواده از آن با عنوان همسانی همسری یاد می‌کنند. اسلام بر کفویت در بعد ایمان و اخلاق و درجات آن تاکید می‌کند. اما بنظر، چون اصل در ازدواج آرامش، مودت و رحمت است، ملاک‌های انتخاب همسر نیز در این مسیر تعرف می‌شود، لذا کفویت نیز برای ارتقاء آرامش، رحمت و مودت بیشتر است. پس کفویت علاوه بر اینکه در بعد دینی، ایمانی و اخلاقی مورد تاکید است در دیگر شؤون نیز جاری و ساری است. هر چند بعد دینی و ایمانی و اخلاقی از اهمیتی ویژه برخوردار است اما کفویت در ابعاد جسمی، اجتماعی، اقتصادی و قومیتی نیز اگر به آرامش، مودت و رحمت در بین زوجین بینجامد، مورد اهتمام دین است. کما اینکه این اصل در روانشناسی و جامعه‌شناسی مورد تاکید است. اما نباید از اصل مکمل در ازدواج غافل شد؛ زیرا همانگونه که زوجین از نظر جسمی و جنسی مکمل یکدیگر محسوب می‌شوند، در ابعاد اخلاقی، روانی، شخصیتی، اقتصادی و اجتماعی نیز می‌توانند مکمل یکدیگر باشند؛ زیرا همسان همسری و کفویت، امری نسبی است و درک صد در صدی آن غیر ممکن است چرا که زوجین یا در مراتب ویژگی‌های همسان، تفاوت دارند یا در ابعاد دیگر با هم ناهمسان هستند و یا هم در مراتب و هم در ابعاد دیگر با هم متفاوتند.

**واژه‌های کلیدی:** ازدواج، همسر گزینی، کفویت، همسان همسری، ملاک‌های

انتخاب همسر، رضایت زناشویی، ایمان، اخلاق، جهان‌بینی.

## مقدمه

پیامبر گرامی اسلام می‌فرمایند: هیچ خانه و بنایی نزد خداوند، از ازدواج کردن محبوب‌تر نیست.<sup>۱</sup>

یکی از مهمترین اعمال در دین مبین اسلام امر ازدواج است که اسلام بر آن اهتمام بسیاری دارد تا آنجایی که ازدواج را عامل تکمیل شدن دین دانسته و نیم یا دو سوم دین را از ازدواج می‌داند.<sup>۲</sup> و تمرّد از آن را، روی بر گرداندن از رسول خدا دانسته است.<sup>۳</sup>

۵۲

اما قصد ازدواج یک امر و انتخاب گزینه مناسب امری دیگر است، که در دین اسلام علاوه بر تاکید بر اصل ازدواج، بر انتخاب مناسب نیز تاکید شایانی شده است.

یکی از ملاک‌ها در انتخاب منایب از دید اسلام کفویت است:

کفویت، شاغول و میزان، تمام ملاک‌های بیان شده در امر ازدواج است.

### کفویت چیست؟

«کفو در لغت به معنای هم‌تا و مانند است و الکفاء و کفائت هر دو به معنای

یکسانی، برابری، شایستگی و صلاحیت می‌باشد».<sup>۴</sup>

«کفائت (به فتح و کسر کاف و به مد الف) یا کفایت، واژه‌ای تازی بوده و

مصدر فعل کفأ (مهموز اللام) به معنای «همتایی» و «مثل و مانند بودن» می‌باشد.

الفاظ «کفو» (به ضم کاف و سکون فاء و واو)، کفاء (به فتح کاف)؛ کفاء (به فتح

۱. محمد بن علی صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۸۳

۲. پیامبر گرامی می‌فرمایند: هر کس ازدواج کند نیمی یا دو سوم دین خود را به چنگ آورده است پس در بقیه آن پرهیزگاری پیشه سازد. (تاج الدین شعیری، جامع الأخبار، ص ۱۰۱)

۳. پیامبر گرامی می‌فرمایند: ازدواج سنت من است و هر کس از سنت من روی بگرداند از من نیست. (همان، ص ۱۰۲)

۴. ابن منظور، ۱/۱۴۰۸: ۱۳۹۱

و یا به کسر کاف و سکون فاء) کفیی، همه به معنای مثل و نظیر می‌باشند؛ مثلاً: اگر گفته شود فلانی کفائی ندارد، یعنی نظیری برای او نیست، یا فلانی کفایت فلان کار را ندارد، یعنی فرد مزبور برای مثل چنین کاری مناسب نیست.

تکافؤ نیز به معنای برابر بودن می‌باشد، مثلاً در روایت نبوی آمده است: «المسلمون تتکافوا دماءهم»، یعنی خون مسلمانان با هم فرقی ندارند. به عبارت دیگر، خون مسلمان، اعم از شریف و یا ضعیف با مسلمان هم عرض خود برابر است و لذا خون‌بهای هر کدام نیز نباید با هم فرق کند.<sup>2</sup>

کفائت در اصطلاح امامیه برابری زوجین در اسلام و ایمان می‌باشد.<sup>3</sup> «صاحب مجمع البیان»، کفائت را تساوی در اسلام و ایمان معنی نموده است و ادامه می‌دهد که عده‌ای در کفائت، توانایی فعلی و بالقوه زوج را از نظر اقتصادی در امر پرداخت نفقه معیار قرار داده‌اند ولی در نهایت می‌گویند که در نزد فقهای امامیه، کفائت ایمانی و دینی مشهور است.<sup>4</sup>

و در کتب دینی آن را یک اصل دانسته و اینچنین بیان می‌دارند؛ «مسئله کفائت زوجین در کتب فقهیه در مبحث نکاح مانند جواهر و شرح لمعه و نیز در کتب فقها و علمای اهل سنت مانند المغنی، الفقه علی المذاهب الاربعه و فقه الاسلامی و ادلته مطرح شده... از نظر فقه امامیه کفائت در نکاح به عنوان شرط صحت در نکاح می‌باشد ولی از نظر اهل سنت شرط لزوم می‌باشد و مهمترین معیارهای معتبر از نظر امامیه اسلام و ایمان زوجین می‌باشد رد حالی که از نظر اهل سنت نسب، دین به معنای دیانت و حریت می‌باشد».<sup>5</sup>

۱. ابن منظور، لسان العرب، ج ۱، ص ۱۳۹، ذیل واژه کفأ.

۲. مجمع البحرین، ج ۱، ص ۳۵۹.

۳. کرکی ۱۲: ۱۲۸/۱۴۱۱.

۴. کفائت در ازدواج؛ نویسنده: دیانی، عبدالرسول؛ مجله دادرسی ۲۸؛ مهر و آبان ۸۰ (از صفحه ۱۸ تا ۲۴).

۵. بررسی مسئله کفویت زوجین از دیدگاه فرق و مذاهب اسلامی/ پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته الهیات و معارف اسلامی گرایش فقه و مبانی حقوق اسلامی/ (فاطمه اقتدائی).

لذا در مبانی دینی در اثبات کفویت با توجه به منابع به موارد زیر اشاره شده است؛

در قرآن می‌خوانیم: **الْخَبِيثَاتُ لِلْخَبِيثِينَ وَالْخَبِيثُونَ لِلْخَبِيثَاتِ وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ أُولَئِكَ مُبَرَّءُونَ مِمَّا يَقُولُونَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ** <sup>۱</sup> «نور/۲۶».

**الزَّانِي لَا يَنْكِحُ إِلَّا زَانِيَةً أَوْ مُشْرِكَةً وَالزَّانِيَةَ لَا يَنْكِحُهَا إِلَّا زَانٍ أَوْ مُشْرِكٌ وَحَرَمٌ ذَلِكَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ** <sup>۲</sup> «نور/۳».

**يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا جَاءَكُمْ الْمُؤْمِنَاتُ مُهَاجِرَاتُ فَاْمْتَحِنُوهُنَّ اللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِهِنَّ فَإِنْ عَلِمْتُمُوهُنَّ مُؤْمِنَاتٍ فَلَا تَرْجِعُوهُنَّ إِلَى الْكُفَّارِ لَا هُنَّ حَلٌّ لَهُمْ وَلَا هُمْ يَحِلُّونَ لَهُنَّ وَآتُوهُنَّ مَا أَنْفَقُوا وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ أَنْ تَنْكِحُوهُنَّ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ وَلَا تُمْسِكُوا بِعِصَمِ الْكَوَافِرِ وَسَأَلُوا مَا أَنْفَقْتُمْ وَلَيْسَلُوا مَا أَنْفَقُوا ذَلِكَ حُكْمُ اللَّهِ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ** <sup>۳</sup> «ممتحنه آیه ۱۰».

**وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ حَتَّى يُؤْمِنَ وَلَامَّةٌ مُؤْمِنَةٌ خَيْرٌ مِنْ مُشْرِكَةٍ وَلَوْ أَعْجَبَتْكُمْ وَلَا تُنْكِحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّى يُؤْمِنُوا وَلَعَبْدٌ مُؤْمِنٌ خَيْرٌ مِنْ مُشْرِكٍ وَلَوْ أَعْجَبَكُمْ أُولَئِكَ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَاللَّهُ يَدْعُوا إِلَى الْجَنَّةِ وَالْمَغْفِرَةِ بِإِذْنِهِ وَبَيِّنُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ** <sup>۴</sup> «بقره/۲۲۱».

۱. زنان پلید (از نظر فساد اعتقاد و اخلاق و عمل) برای مردان پلید، و مردان پلید برای زنان پلیدند (به اقتضای جاذبه ذاتی ناری همدیگر را می‌یابند) و زنان پاک (از فساد اعتقاد و اخلاق و عمل) برای مردان پاک، و مردان پاک برای زنان پاکند (طبق جاذبه فطری نوری یکدیگر را می‌یابند) آنها از آنچه (دیگران به تهمت درباره آنان) می‌گویند پاک و منزّه‌اند، برای آنها آموزش و روزی گرانمایه (در دنیا و آخرت) است.

۲. مرد زناکار (طبعاً) جز زن زناکار یا مشرک را به همسری نمی‌گیرد (و قهراً به سراغ زن عفیفه نمی‌رود) و زن زناکار را (نیز طبعاً) جز مرد زناکار یا مشرک به همسری نمی‌گیرد، و این (رقم همسری) بر مؤمنین (طبق اقتضای عفتشان) ممنوع گردیده است.

۳. ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هنگامی که زنان مؤمن (از شوی کافر خود جدا شده) به عنوان مهاجر نزد شما آمدند، آنها را (از نظر ایمان) بیازمایید - خدا خود به ایمان آنها داناتر است - پس اگر آنها را مؤمن تشخیص دادید آنها را به سوی کفار (شوهران کافرشان) بازگردانید، نه اینان بر آنها حلالند و نه آنها بر اینان حلالند و آنچه (شوهرانشان از مهر) هزینه نموده‌اند به آنها بازپردازید، و بر شما گناهی نیست که آنها را به همسری درآورید در صورتی که اجرت هایشان (مهرهایشان) را بپردازید، و نیز به عقود و پیوندهای زنان کافر (تان که به کفار پیوسته‌اند) تمسک مجوید (آن عقده‌ها باطل شده) و از آنها آنچه هزینه (مهر) کرده‌اید بطلبید، و آنها هم از شما آنچه هزینه کرده‌اند بطلبند. این حکم خداوند است که در میان شما حکم می‌کند، و خدا دانا و حکیم است.

۴. و زن‌های مشرک را به همسری مگیرید تا ایمان بیاورند، و البته کنیزی با ایمان از زنی آزاد و مشرک بهتر است هر چند (جمال و مال) او شما را خوش آید، و به مردان مشرک زن ندهید تا ایمان بیاورند، و حتماً برده‌ای با ایمان از مردی آزاد و مشرک بهتر است هر چند (مال و جاه) او شما را خوش آید. آنها (مرد و زن مشرک در طول

و در روایات می‌خوانیم:

لولا ان خلق فاطمه لعلی ماکان لها علی وجه الارض کفو آدم فمن دونه.<sup>۱</sup>  
المومن کفو المومنه و المسلم کفو المسلمه.<sup>۲</sup>  
انکحوا الکفاء و انکحوا فیهم و افتاروا لنطفکم.<sup>۳</sup>  
المومنون بعضهم الکفاء بعض.<sup>۴</sup>

با توجه به مبانی دینی می‌توان کفویت را این گونه بیان داشت:

«کفائت در نکاح، از جمله مسائلی است که در مباحث و کتب فقهی فقهای شیعه و سنی همواره مطرح بوده و باب ویژه‌ای را نیز به خود اختصاص داده است. این امر ناشی از ثمرات فقهی متعددی است که بر طرح و بررسی این مسئله و تبیین آن مترتب است. این موضوع، خود، بیانگر اهمیت و ضرورت پرداختن به آن است. مبحث کفائت در دو باب از ابواب فقهی مطرح شده است؛ یکی در باب قصاص و دیگری در باب نکاح و در باب نکاح نیز در چند جای مختلف از مباحث نکاح، مطرح شده و در هر محل نیز دارای معنای متفاوتی است. اولین محل آن، کفائت به عنوان شرط صحت نکاح است. در این مبحث بیان می‌شود که شرط کفائت، برابری زوجین در اسلام و مسلمان بودن آن دو (در مقابل کافر غیر کتابی بودن آن دو) به اجماع همه فقهای امامیه و نیز برابری در

مدت زوجیت در کفر و فسق همسر خود، اثر می‌گذارند و در نتیجه) به سوی آتش می‌خوانند و خداوند به توفیق خود به سوی بهشت و آمرزش می‌خواند و آیات خود را برای مردم بیان می‌کند، شاید متذکر شوند.

۱. پیامبر ﷺ می‌فرماید که علی علیه السلام برای فاطمه علیها السلام آفریده شد و اگر خداوند فاطمه علیها السلام را برای علی علیه السلام نمی‌آفرید، در روی زمین همتایی برای علی علیه السلام و همسری در شأن وی از بنی آدم و غیر بنی آدم پیدا نمی‌شد. و سائل الشیعه، ج ۷، ص ۴۹-فقیه، ج ۳، ص ۳۹۳-بحار الانوار ج ۴۳، ص ۱۰-تهذیب، ج ۷، ص ۴۷۰

۲. پیامبر اکرم فرمودند: مرد مؤمن کفو و همشأن زن مؤمنه است و مرد مسلمان کفو و همشأن زن مسلمان است. «کافی، ج ۵، ص ۳۴۰ - ۳۴۱».

۳. «فروع کافی / ج ۵، ص ۳۳۲» «زنان و مردان متناسب و هم شأن کفو) را به نکاح درآورید و با آنها وصلت کنید و برای نطفه‌های خودتان جایگاه مناسب انتخاب نمایید».

۴. و سائل الشیعه، کتاب النکاح، باب ۲۷ از ابواب نکاح، ج ۷، ص ۴۷.

ایمان به معنای اخص آن، یعنی شیعه دوازده امامی بودن، به عقیده برخی فقهای امامیه است. محل دومی که در آن از کفایت در باب نکاح بحث می‌شود، کفایت به عنوان مشخصات زوج مناسب است. در این معنا از کفایت، شرع به بیان ملاکهایی می‌پردازد که وجود آنها در افراد، موجب اطلاق واژه زوج مناسب یا کفو به ایشان می‌گردد. بدیهی است که در کفایت به این معنا هدف صرفاً بیان این امر است که برای انتخاب همسر مطلوب چه ملاک‌هایی را باید مورد توجه قرار داد. لذا کسی که به این معیارها توجه نکند، تنها توصیه های شرع را نادیده گرفته و تبعاً به ضرر خود عمل نموده است. پس رعایت کفایت به این معنا در زوجین، نه موجب بطلان نکاح می‌شود و نه برای کسی ایجاد حق فسخ می‌کند. از جمله صفاتی که در این معنا از کفایت به رعایت آنها اشاره شده است، ایمان، تدین، اخلاق پسندیده، عقل و فهم سالم، شرافت خانوادگی و شیعه دوازده امامی بودن را می‌توان نام برد. سومین و آخرین محل، کفایت در باب شرط سقوط ولایت ولی است. فقهای شیعه در این امر اختلاف دارند.<sup>۱</sup>

از سوی دیگر یکی از مسلمات جامعه شناسی خانواده و روانشناسی همسان همسری است:

«در جامعه شناسان مهم ترین جنبه های همسانی به صورت زیر آمده است:

۱. همسانی جغرافیایی که وابستگی انتخاب همسر را جغرافیای محل سکونت توضیح می‌دهد.
۲. همسانی جسمانی که تاثیر ویژگی های سن، زیبایی و تناسب قد و هیکل زوجها را بیان می‌کند.
۳. همسانی اجتماعی که به همگونی منزلت اجتماعی همسران اشاره دارد.

۱. همسان همسری از دیدگاه روانشناسی و مقایسه آن با مفهوم کفویت در فقه (سیده سمیه هاشمی نژاد، علی فقیهی، سید حمزه حسینی، سید محمود سخایی / دانشگاه علوم پزشکی بابل، نشریه اسلام و سلامت ؛ دوره اول، شماره سوم، پاییز ۹۳، صفحه: ۵-۶۰)

۴. همسانی تحصیلی که میزان همگونی و تطابق سطح تحصیلات همسران است.

۵. همسانی از نظر امور ذهنی و معنوی که شامل سطح هوشی، تیپ شخصیتی، باورهای دینی و... می‌شود.<sup>1</sup>

و در روانشناسی گفته می‌شود؛ «همسان همسری، همان قانون شباهت است که بیان می‌کند که افراد مایلند همسرانی انتخاب کنند که با خودشان از نظر ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی و روانی مشابه باشند. همسانی میان دو فرد نه تنها آنان را به سوی یکدیگر جذب می‌کند، بلکه پیوند و وصلت ایشان را استوارتر می‌سازد. همهٔ نظام‌های همسرگزینی به ازدواج همسان تمایل دارند و این خود نتیجهٔ تمایل به معامله‌گری است. شباهت بین دو فرد، ثابت شده است که عامل کشش و سبب ایجاد صمیمیت بین آن دو می‌گردد. بر اساس این فرض زمینه‌ای مهم که افراد با مشخصه‌های مشابه (مانند ارزش‌ها، هنجارها، باورها و تجربیات) بسیار ساده‌تر می‌توانند با هم هماهنگ شوند، همسان همسری (شباهت بین دو همسر) همواره مورد تشویق بوده است. بر اساس مطالعات Esterberg و همکاران، شباهت یک امر حیاتی در ازدواج است و وجود توافق و بینش مشترک، سبب کاهش منازعات و در نتیجه افزایش جاذبه بین همسران، پایداری ازدواج و توانایی در حل و رفع منازعات می‌شود. به عبارت دیگر، همسانی، هماهنگی و موفقیت زناشویی را بیشتر می‌کند و ناهمسانی، ناسازگاری و ناخشنودی را در پی دارد. آدلر<sup>2</sup> و همکاران بر این مطلب اشاره دارند که افراد معمولاً کسانی را دوست دارند که شبیه خودشان باشند. آنها اضافه می‌کنند که این امر نباید عجیب به نظر بیاید، زیرا یکی از اولین گام‌ها جهت کسب اطلاعات و

1. همان.

2. Adler.

آگاهی های موثر، بررسی علائق و تجربیات مشترک و سایر عواملی است که ما در آن به نوعی شریک هستیم. وقتی شباهت‌ها را ادراک می‌کنیم گویی نیروی جاذب های ما را به سوی افرادی می‌کشد که شبیه ما هستند. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که هنگامی که درصد بالایی از عقاید ما به دیگران شباهت داشته باشد، جاذبه ارتباطات افزایش می‌یابد مانند زوج‌هایی که در رابطه با اهداف زندگیشان (دوستان مشترک، اعتقادات مشابه در مورد حقوق انسان‌ها و...) یکدیگر را تأیید می‌کنند و در مورد عقاید کلیدی، شباهت کافی با یکدیگر دارند و می‌توانند از بروز اختلاف نظرهای جدی در مورد موضوعات، جان سالم به در برند. همسان همسری را می‌توان قانون انتخاب همسر دانست. به این معنی که اگر یک نمونه تصادفی از یک جامعه را انتخاب کنیم، می‌بینیم که اولاً بسیار کم رخ می‌دهد که گروه‌های خاصی از مردان و زنان با مشخصه های معین، با زنان و مردان با مشخصه های دیگر ازدواج کنند. به علاوه، مردان با یک ویژگی شخصی خاص بیشتر مجذوب زنان با همان ویژگی می‌شوند. با اندازه گیری میزان همبستگی ویژگی خاص بین زن و شوهر می‌توان میزان همسانی را تعیین کرد. بنابراین همسان همسری، یک قانون طبیعی است و به عبارت معروف: کبوتر با کبوتر، باز با باز همسانی در ازدواج برای ویژگی‌های شخصیتی فراوانی شامل ویژگی‌های جسمانی، روانی و شناختی معتبر است.<sup>۱</sup>

«صرف‌نظر از توجه به ملاک‌های گزینش همسر مناسب، به‌طور کلی، انتخاب همسان، به عنوان یک قاعده‌ی جهانی همسرگزینی پذیرفته شده است. تشابه و همسانی همسران در مکان زندگی و تولد، طبقه‌ی اجتماعی، صفات

۱. همسان همسری از دیدگاه روانشناسی و مقایسه آن با مفهوم کفویت در فقه (سیده سمیه هاشمی نژاد، علی فقیهی، سید حمزه حسینی، سید محمود سخایی / دانشگاه علوم پزشکی بابل، نشریه اسلام و سلامت ؛ دوره اول، شماره سوم، پاییز ۹۳، صفحه: ۵-۶۰)



اخلاقی و ویژگی‌های روان‌شناختی، مذهب و دین، سن و سال و ویژگی‌های فرهنگی و نژادی، مورد تأکید بیشتر محققان قرار گرفته است.<sup>۱</sup> «در تبیین روان‌شناختی این قاعده می‌توان گفت که در مرتبه نخست، تشابه موجب جذب افراد به یکدیگر، به سبب برانگیخته شدن عواطف مثبت آنان است. تعمیم گسترده پیوستگی مشابهت و جاذبه در مطالعه افراد، گروه‌های سنی متفاوت، سطوح اقتصادی اجتماعی متفاوت و فرهنگ‌های مختلف ثابت شده است. در مرتبه دوم، تشابه بیشتر، موجب سازگاری بیشتر است. هرچه توافق میان دو نفر بیشتر باشد، آنان بیشتر به همدیگر علاقه‌مند خواهند شد. هنگام بروز اختلاف که در واقع ناشی از تفاوت‌هاست، طرفین می‌کوشند با تغییر وضعیت روانی خود، به تشابه و توافق نائل گردند.<sup>۲</sup> تحقیقات نشان می‌دهد، همسانی به استمرار و استحکام پیوند نیز کمک می‌کند و نیز در مقابل، بررسی علل اختلافات زناشویی نشان می‌دهد که زوجین نوعی عدم تشابه در خصلت‌های مختلف از خود بروز می‌دهند. مطالعه درجه رضایت خانواده‌ها نیز، به همین نتایج منجر شده است.<sup>۳</sup>»<sup>۴</sup>

### کفویت و همسان همسری

قبل از پرداختن به این موضوع لازم است، رابطه بین ملاک‌های انتخاب همسر و کفویت از منظر اسلام روشن شود. همانگونه که آورده شد؛ در دین مبین اسلام ملاک‌هایی برای انتخاب همسر بیان شده است، در نگاه ظاهری و آنچه عموم از ملاک‌های همسرگزینی می‌فهمند، این است که این ملاک‌ها در مسیر بدست آوردن برترین‌ها مفهوم می‌یابد؛ مثلاً اگر گفته شده که یکی از ملاک‌ها، حسن خلق است یعنی مرد به دنبال زنی باشد که دارای حسن خلاق بیشتری

۱. ساروخانی، ۱۳۷۰: ص ۵۸.

۲. رک. آذربایجانی، ۱۳۸۲: صص ۲۵۶-۲۶۱.

۳. رک. ساروخانی، ۱۳۷۰: صص ۶۸-۶۹.

۴. مطالعات راهبردی زنان شماره ۲۵ صفحه ۲۲۴ (عنوان مقاله: همسرگزینی در اندیشه دینی؛ سالاری فر، محمدرضا).

است و مفهوم این کلام آن است که در انتخاب، برترین‌ها حق‌توست؛ پس یک سویه بدنبال پیدا کردن آن برتر باش. با این نگرش کفویت بی مفهوم می‌نماید، زیرا هر فردی در انتخاب همسر باید بدنبال بهترین و بی‌عیب و نقص‌ترین افراد باشد. در این صورت کفویت و برابری بی مفهوم است.

اما باید بدانیم که خطاب شارع و دین در بیان ملاک‌های انتخاب همسر فقط مردها و یا فقط زن‌ها نبوده است بلکه اگر شاخصی را بیان می‌نماید، هر دو طرف ازدواج را در مد نظر دارد، پس اگر گفته شده است فرضاً با کسی ازدواج کن که دارای حسن خلق است این خطاب هم زن‌ها را در بر می‌گیرد و هم مردها را، یا مثلاً ولود بودن زن در زمانی معنا دارد که مرد نیز از توانایی جنسی و ولود بودن بهره مند باشد. لذا مفهوم این کلام این نیست که فرد بد اخلاق یا عقیم به دنبال زن خوش اخلاق و ولود بگردد بلکه این را می‌رساند که اگر خود دارای این ویژگی‌ها هستی پس فردی را که این ویژگی‌ها را دارد برای همسری بر گزین.

و البته این مفهوم از قرآن کریم قابل برداشت است؛ آنجایی که عفت و پادامنی و عدم آن را برای طرفین بیان می‌کند. و در آیه‌ای دیگر زن را لباس مرد و متقابلاً مرد را نیز لباس زن می‌داند.<sup>۱</sup>

از سویی دیگر با توجه به ادبیات فقهی، کفویت، حاکم بر ملاک‌هاست یعنی می‌بایست ملاک‌ها را تحت رداء کفویت مفهوم بخشید. (این جواب آن سوال مفروضی است که می‌گوید، روی سخن بعضی ملاک‌ها به مردها و بعضی به زن‌هاست. البته اگر آن ویژگی صرفاً مختص به مرد یا زن باشد از دایره این حکومت تخصصاً خارج است. مثل کم بودن مهریه).

۱. هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ (بقره، ۱۸۷)

نتیجه: با توجه به این برداشت ملاک‌ها در مسیر کفویت مفهوم دارد و از سویی دیگر کفویت بر ملاک‌های یاد شده حکومت و سیطره دارد. پس ملاک‌های بیان شده جز در مسیر کفویت مفهوم نمی‌یابد. اما آیا کفویت مطرح شده از جانب دین با همسان همسری مطرح شده در روانشناسی یکسان است؟

«متخصصان مسائل خانواده در حوزه‌های جامعه‌شناسی و روان‌شناسی معمولاً تأثیر منفی انواع گوناگون ناهمسانی دو زوج را به عنوان واقعیتی اجتماعی مفروض گرفته و براین اساس، افراد را به احراز بالاترین سطوح همسانی توصیه و تشویق می‌کنند. اما در برابر این برخورد نسبتاً محافظه کارانه، اسلام به عنوان مکتب دینی و الهی، رویکردی اصلاحی را به نمایش گذاشته و در جهت تغییر پندارهای فرهنگی نادرستی مانند لزوم همسانی خانوادگی، قومی و طبقاتی کوشیده است.<sup>۱</sup> در اسلام، بر اصل همسان همسری، به عنوان معیار همسرگزینی و ضامن انسجام خانواده، در ذیل عنوان «کفویت» تأکید شده است، اما دیدگاه‌های ارزشی اسلام به ارائه تعریف خاصی از کفویت زن و شوهر انجامیده است. برخوردیجایی با برخی جنبه‌های همسان همسری و برخورد سلبی با جنبه‌های دیگر بیانگر کوشش قانون‌گذار اسلام در جهت تغییر نگرش‌های فرهنگی نسبت به موضوع همسان همسری است.<sup>۲، ۳</sup>»

«حاصل آنکه، می‌توان گفت که اسلام ازدواج با افراد همسان را مورد تأکید قرار داده است. البته بر خلاف دیدگاه همسان همسری در روان‌شناسی اجتماعی، که همسانی زوجین را در تمامی عرصه‌ها یا لا اقل در عرصه‌های نژاد، دین و

۱. حسین بستان، اسلام و جامعه‌شناسی خانواده، ص ۱۹۶.

۲. همان، ص ۱۹۵.

۳. معیارهای انتخاب همسر از دیدگاه اسلام؛ نویسنده: حسین خانی نایینی، هادی.

منزلت اقتصادی - اجتماعی لحاظ کرده است<sup>۱</sup>، منابع اسلامی معیار همسانی را، که از آن با عنوان «کفویت» نام می‌برند، تنها هماهنگی سطح دینی طرفین ازدواج می‌دانند<sup>۲</sup>»<sup>۳</sup>.

با توجه به این برداشت، می‌توان به اشتراکاتی دست یافت، هر چند می‌توان به افتراقاتی نیز اشاره کرد. با مد نظر قرار دادن تحقیقات بعمل آمده در این دو حوزه، محل اشتراک این دو منظر، همسانی و کفویت در بُعد دینی و اعتقادی است.

لذا محققان در حوزه اسلامی اینگونه بیان می‌دارند؛

«که شیعه شرط کفایت را در ضمن شرایط صحت نکاح آورده است، ولی از آن به کفایت در دین و آزادی تعبیر نموده است.» «شیخ مفید» در این رابطه در «مقنعه» می‌فرماید: «و المسلمون الاحرار يتكافئون بالاسلام و الحرية في النكاح و ان تفاضلوا في الشرف و الانساب كما يتكافئون في الدماء و القصاص فالمسلم اذا كان واجدا طولا للانفاق بحسب الحاجة على الازواج مستطيعا للنكاح مأمونا على الانفس و الاموال و لم يكن به آفة في عقله و لا سفة في الرأى، فهو كفو في النكاح»<sup>۴</sup>.

یعنی: مسلمانان غیر بنده، در اسلام و آزادی، کفو همدیگر در نکاح محسوب می‌شوند حتی اگرچه از نظر شرف و نسب با هم متفاوت باشند. بنابراین، همان طور که مسلمانان در خون و قصاص مساوی یکدیگر هستند، به همین ترتیب، اگر شخص مسلمان واجد توانایی انفاق به آن گونه که بر شوهران لازم می‌شود، را داشته باشد و همچنین برای ازدواج قادر بوده و از جهت سپردن افراد و اموال

۱. محمدرضا سالاری‌فر، خانواده در نگرش اسلام و روان‌شناسی، ص ۳۸.

۲. حسین بستان، اسلام و جامعه‌شناسی خانواده، ص ۵۱.

۳. معیارهای انتخاب همسر از دیدگاه اسلام؛ نویسنده: حسین خانی‌نایینی، هادی.

۴. شیخ مفید، مقنعه، ص ۵۱۲، باب ۱۳، باب الكفائة في النكاح.

به او نیز قابل اطمینان باشد و نقص عقلی نیز نداشته و سفیه هم نباشد، چنین فردی واجد صفت «کفو» برای ازدواج می‌باشد.<sup>۱</sup>

«اسلام همسانی دینی را شرط لازم برای تحقق ازدواج دائم دانسته و مسلمانان را از برقراری پیوند زناشویی با غیرمسلمانان برحذر می‌دارد».<sup>۲</sup>

«دینداری و ایمان به خداوند از جمله معیارهایی است که در منابع اسلامی مورد توجه جدی قرار گرفته و رعایت آن شرط اساسی در همسرگزینی به شمار آمده است. براین اساس، مردان و زنان مؤمن از وصلت با افراد بی‌ایمان، حتی در صورت برخورداری از سایر معیارهای همسر مطلوب، نهی شده‌اند. (بقره: ۲۲۱)».<sup>۳</sup>

«منابع اسلامی معیار همسانی را، که از آن با عنوان «کفویت» نام می‌برند، تنها هماهنگی سطح دینی طرفین ازدواج می‌دانند».<sup>۴</sup>

«اسلام، شرط کفویت دینی و ایمانی را شرط لازم و ضروری برای زوجین می‌داند که شرط دیگری نمی‌تواند خلا وجود آن را پر کند».<sup>۵</sup>

از سوی دیگر تحقیقات ثبت شده در حوزه روانشناسی این بُعد از همسانی را مورد تایید دارند؛ «به صورت مکرر نشان داده شده است که نوع خاصی از همسانی، یعنی همسانی دینی در ازدواج سودمند است و مخصوصاً در ایجاد حس رضایت زناشویی تاثیر مستقیم دارد. همسانی دینی به صورت شباهت در نگرش و باورها در مورد تجربیات دینی مشخص تعریف می‌شود»<sup>۶</sup> (۱۰). افراد

۱. کفایت در ازدواج؛ نویسنده: دیانی، عبدالرسول؛ مجله دادرسی ۲۸؛ مهر و آبان ۸۰ (از صفحه ۱۸ تا ۲۴).

۲. امام خمینی (ره)، تحریرالوسیله، ج ۲، ص ۲۸۵.

۳. معیارهای انتخاب همسر از دیدگاه اسلام (هادی حسین‌خانی نایینی).

۴. حسین بستان، اسلام و جامعه‌شناسی خانواده، ص ۵۱.

۵. همسان همسری از دیدگاه روانشناسی و مقایسه آن با مفهوم کفویت در فقه (سمیه هاشمی نژاد، علی فقیهی، سید حمزه حسینی، محمود سخایی / دانشگاه علوم پزشکی بابل، نشریه اسلام و سلامت؛ دوره اول، ش سوم، پاییز ۹۳، ص: ۵-۶۰)

6. Heaton T B. Religious homogamy and marital satisfaction reconsidered. Journal of Marriage and the Family. 1984; 46: 729-733.



مومن به یک دین یا مذهب، همسان دینی در نظر گرفته می‌شوند و افراد دارای مذاهب متفاوت، ناهمسان دینی هستند.

یکی از اولین تحقیقات در زمینه همسان همسری دینی و رضایت زناشویی توسط Glenn در سال ۱۹۸۲ انجام شد.<sup>۱</sup> در این تحقیق، او اطلاعات جمع‌آوری شده از زوج‌هایی که در ایالت‌های مختلف آمریکا و از ۶ ملیت بوده‌اند و در فاصله سال‌های ۱۹۷۳ تا ۱۹۷۸ با هم ازدواج کرده‌اند، مورد بررسی قرار داد. برای هر یک از این ۶ سال، او با ۱۵۰۰ نفر به صورت رو در رو مصاحبه کرد که از ۴۸ ایالت آمریکا و دارای سن ۱۸ و بیشتر بودند. مصاحبه‌شوندگان از نظر مذهبی به چهار گروه پروتستان، کاتولیک، یهودی، ادیان دیگر و بدون دین دسته‌بندی شدند. رضایت زناشویی با پرسش در مورد میزان خوشبختی آنها در ازدواج و انتخاب یکی از سه وضعیت انجام شد. پرسش به این شکل بود: با ملاحظه همه شرایط، شما ازدواجتان را چگونه توصیف می‌کنید: خیلی خوشبخت، خوشبخت، نه چندان خوشبخت. با بررسی نتایج او دریافت که مردان در ازدواج همسان دینی نسبت به ازدواج ناهمسان، رضایتمندی بیشتری از زندگی دارند. این نتایج در میان مذاهب مختلف مورد مطالعه (پروتستان، یهودی و کاتولیک) تفاوت معنی‌داری را نشان نمی‌داد. بنابراین او نتیجه‌گیری کرد که همسانی دینی یک عامل موثر در میزان رضایتمندی از زندگی در میان مردان است. البته او نتوانست اختلاف معنی‌داری در میزان رضایت مندی در میان زنان در ازدواج همسان دینی و ناهمسان پیدا کند. او این مشاهده را اینگونه توجیه کرد که زنان از اینکه می‌دانند فرزندانشان دین مادرشان را انتخاب خواهند کرد، چندان اهمیتی به دین شوهر خود نمی‌دهند. در سال ۱۹۸۴، Heaton مطالعه مجددی روی همان داده‌هایی که Glenn بررسی کرده بود، همراه با داده‌های جدیدی که در فاصله سال‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۲ جمع‌آوری

1. Glenn N D. Interreligious marriage in the United States: Patterns and recent trends. Journal of Marriage and the Family. 1982; 44(3): 555-566.

شده بود، انجام داد. در این تحقیق، ادیان در قالب های کاتولیک، ۶ فرقه پروتستانی Baptist و Methodist, Lutheran, Presbyterian, Episcopalian، سایر فرقه های پروتستانی، یهودی و بی دین دسته بندی شدند. مانند تحقیق قبلی، رضایت از زندگی با پرسش از مخاطبان سنجیده شد. این تحقیق نیز تایید کرد که همسران (مردان و زنان) در ازدواج های همسان دینی، رضایت بیشتری از ازدواج در مقایسه با همسران با دو دین متفاوت دارند. البته او نیز نشان داد که این اختلاف در میزان رضایت از زندگی، در مردان بیش از زنان است. او همچنین برای بررسی نظر Glenn در مورد تاثیر فرزندان بر میزان رضایت زنان، مطالعه را در میان زنان دارای فرزند و زنان بدون فرزند انجام داد و نشان داد ارتباطی بین میزان رضایت از زندگی و تعداد فرزندان وجود ندارد. نتیجه آنکه بین همسانی دینی و رضایت زناشویی ارتباط مستقیمی وجود دارد و دلیل آن، به وجود فرزندان مربوط نمی شود.<sup>۱</sup> در تحقیق دیگری<sup>۲</sup> (۱۲)، مطالع های روی ۱۰۷۰ زن و شوهر کاتولیک و پروتستان (۲۷۶ نفر کاتولیک و ۷۹۴ نفر پروتستان) که در سال ۱۹۸۱ در ایالت نبراسکا امریکا ازدواج کردند، انجام شد و در آن، آزمون شونندگان به ۶ فرقه به صورت (Lutheran, Methodist, Baptist, Calvinist, Catholic, fundamentalist) دسته بندی شده اند. بررسی رضایت زناشویی در بین آنها، نشان داد که هر چه فاصله مذهبی بین همسران (درجه ناهمسانی مذهبی) بیشتر باشد، نارضایتی زناشویی نیز بیشتر خواهد بود. به عنوان مثال، رضایت زناشویی در حالتی که هر دوی زن و شوهر، دارای مذهب Lutheran باشند بیشتر از حالتی است که تنها یکی از آنها مذهب Lutheran داشته باشد. به این ترتیب، این تحقیق ثابت می کند که هرچه اشتراکات مذهبی زوجین بیشتر باشد، رضایت زناشویی نیز بالاتر است.

1. Heaton T B. Religious homogamy and marital satisfaction reconsidered. Journal of Marriage and the Family. 1984; 46: 729-733.

2. Ortega S T, Whitt H P, Williams JA. Religious Homogamy and Marital Happiness. Journal of Family Issues. 1988; 9(2): 224-239.

مطالعه دیگری در سال ۱۹۹۰ توسط Heaton و همکاران انجام شد.<sup>۱</sup> این مطالعه بر روی ۵۸۸۲ نفر از افراد متأهل انجام شد و رضایت زناشویی با پرسشی همانند پرسش Glen مورد بررسی قرار گرفت که البته در آن، مصاحبه شونده‌گان می‌توانستند پاسخ خود را در هفت درجه، از خیلی ناراضی ۱ تا خیلی راضی ۷ انتخاب کنند. همچنین در مطالعه آنها، همسانی دینی در سه سطح دستهبندی شد: تعلق خاطر گروهی (یعنی خود را در گروه خاصی از ادیان، قرار دادن و خطاب کردن)، که اکثر مطالعات به این نوع دینداری توجه کرده اند، ملتزم بودن به مراسم کلیسا و اعتقاد به کتاب مقدس. نتایج این تحقیق نشان داد که تعلق خاطر گروهی، نقش حیاتی در رضایت از زناشویی دارد و ملتزم بودن به کلیسا تاثیر کمتر و اعتقاد به کتاب مقدس تقریباً بی تاثیر است. لازم به ذکر است که این تحقیق تنها فرقه های مختلف پروتستان و کاتولیک را مورد بررسی قرار داده است. Lehrer و همکاران<sup>۲</sup> در سال ۱۹۹۳ تحقیق دیگری انجام دادند و ضمن تایید نتایج Heaton و همکاران، پایداری و ثبات زندگی زناشویی را مورد اندازه گیری قرار دادند. این اندازه‌گیری با پرسش در مورد میزان احتمال جدایی و طلاق از مصاحبه شونده‌گان انجام گرفت. یافته‌ها نشان داد زوج های ناهمسان بیش از زوج های همسان، شانس طلاق را برای خود قائلند. همچنین تفاوت معنی داری بین ثبات ازدواج در ادیان مختلف مشاهده نشد. به علاوه، ازدواج بین دو فرد بی دین، کمترین ثبات را نشان داد. در سال ۲۰۰۶، Rinelli بررسی بیشتری روی داده های Lehrer و همکاران انجام داد<sup>۳</sup> و یافته های قبلی را تایید کرد. به علاوه، او روابط شاد را در کنار خشونت های فیزیکی مورد توجه قرار داد. یافته های او نشان داد که همسانی دینی

1. Heaton T B, Pratt E L. The effects of religious homogamy and marital satisfaction and stability. *Journal of Family Issues*. 1990; 11: 191-207.

2. Lehrer E L, Chiswick CU. Religion as a determinant of marital stability. *Demography*. 1993; 30(3): 385-404.

3. Rinelli L N August). Explaining the difference in physical violence between married and cohabiting couples: The role of mismatching and status incompatibility. Paper presented at the American Sociological Association 2006 annual meeting, Montreal, Canada.



نه تنها سبب افزایش شادی در روابط زناشویی میشود، بلکه میزان خشونت های فیزیکی را کاهش می دهد. به این ترتیب، بار دیگر، تاثیر مثبت همسانی دینی در رضایتمندی زناشویی مورد تایید قرار گرفت. مطالعه دیگری که در سال ۲۰۰۷ روی ۲۰۰ زوج در ایالت تگزاس انجام شد،<sup>۱</sup> با تقسیم بندی دینداری به چهار سطح: ایمان به روز حساب، نزدیکی به خداوند، مزایای هم‌رنگی با جماعت و عفو و گذشت، نتیجه گیری شد که عدم تطابق در سطوح دینداری سبب افزایش خشونت خانوادگی می شود. در تحقیق دیگری، ارتباط ناهمسانی دینی و تاسازگاری زناشویی مورد توجه قرار گرفت.<sup>۲</sup> این تحقیق نیز رابطه مثبت بین ناهمسانی دینی و ناسازگاری زناشویی را مورد تایید قرار داد. به علاوه، یافته ها نشان داد که بین ازدواج های ناهمسان و فرزندان بزهکار نیز رابطه مستقیمی وجود دارد. فرزندان ازدواج های ناهمسان، سه برابر بیش از سایرین به کشیدن ماری جوانا رو می آورند و این فرزندان، دو برابر فرزندان زوج های همسان دینی مبتلا به استفاده از مشروبات در سنین پایین هستند. به عقیده Legall، تا پیش از ازدواج، مذهب بر رفتار جوانان مؤثر است، لیکن پس از زناشویی، ناباوری های دینی یکی از طرفین دشواری های فراوانی برای آنها فراهم می کند و باعث ایجاد بگومگوهای دائمی می گردد Hollingshead نیز می گوید: «یکی از مهمترین عواملی که هنگام انتخاب همسر بر تصمیم فرد و جامعه اثر می نهد، اعتقاد دینی است».<sup>۳</sup> Sullivan در مطالعاتی در زمینه نقش مذهب و ازدواج در دانشگاه های کالیفرنیا نتیجه گرفت که باورهای مذهبی برخلاف سایر ملاک های زودگذر، اثر طولانی تری در تحکیم

1. Katerndahl D A, Obregon M L. An exploration of the spiritual and psychosocial variables associated with husband-to-wife abuse and its effect on women in abusive relationships. International Journal of Psychiatry in Medicine. 2007; 37(2): 113-128.

2. Petts R J, Knoester C. Parents' religious heterogamy and children's well-being. Journal for the Scientific Study of Religion. 2007; 46(3): 373-389.

3. Sullivan K T. Understanding the relationship between religiosity and marriage: An investigation of the immediate and longitudinal effects of religiosity on newlywed couples [Electronic version]. Journal of Family Psychology. 2001; 15(4): 610-626.

روابط زناشویی دارد. نتایج تحقیقات مختلف، نشان می‌دهد که تشابه نظام ارزشی زن و شوهر اثر معنی داری بر سال‌های بعدی زندگی زناشویی آنان دارد. محققان مختلفی بر اساس یافته‌های پژوهشی خود به این نتیجه رسیدند که شباهت زوجین از نظر باورها، اعتقادات و به ویژه اعتقادات مذهبی تأثیر مثبت بر رضامندی و سازگاری زناشویی آنها دارد.<sup>۱</sup>

مطالعه دیگری در سال ۲۰۱۲ در کشور چین (هنگ کنگ) به بررسی رابطه همسانی دینی در میان زوج‌های مسیحی چینی و وجود روابط صمیمی بین آنها پرداخت.<sup>۲</sup> مطالعه بر روی ۳۵۲ زوج‌های همسان دینی، نشان داد که رضایتمندی بالا در میان همسران با همسانی دینی وجود دارد و روابط مثبت، به طور خاص ناشی از همسانی دینی است. به علاوه، هر چه همسران از نظر دینی و اعتقادی به هم نزدیکتر باشند، رضایتمندی بیشتری از روابط با هم دارند. همچنین همسانی دینی بین زن و مرد، کیفیت زندگی بالاتری را برای زندگی مشترکشان پیشبینی می‌کند Myers و همکاران ارتباط بین همسانی دینی و کیفیت زندگی را در طول فاصله زمانی ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۷ مورد بررسی قرار دادند و نشان دادند که همانند نسل‌های قبلی، در نسل مورد مطالعه نیز بین همسانی دینی و کیفیت زندگی، رابطه مستقیمی وجود دارد. این نتیجه در تحقیق دیگری که در سال ۲۰۱۳ نیز انجام شد مورد تأیید قرار گرفت. همسانی دینی میتواند زمینه فعالیت مشترک دینی را فراهم کند و این امر به نوبه خود سبب بهبود کیفیت روابط زناشویی می‌گردد. مطالعات دیگری در زمینه سایر جنبه‌های همسانی در ازدواج و آثار آن انجام شده است. در مطالعات متعددی نشان داده شده است که همسانی در ازدواج عامل افزایش پایداری ازدواج است. همسانی از نظر سن

1. Petts R J. Parental Religiosity, Religious Homogamy, and Young Children's Well-Being. *Sociology of religion*, 2011; 72(4): 389-414.

2. David P, Stafford L. A Relational Approach to Religion and Spirituality in Marriage The Role of Couples' Religious Communication in Marital Satisfaction. *Journal of Family Issues*. 2013; 0192513X13485922.

3. Cindy L. Religious Homogamy Revisited: A Study of its Mechanisms and Effects on Dating and Married Christian Couples [Thesis]. [China]: University of Hong Kong; 2013. 139p.

نیز مورد توجه روانشناسان و جامعه شناسان است و مطالعات نشان می‌دهد وقتی که مرد چندین سال بیش از زن سن داشته باشد یا وقتی که، زن پیرتر از مرد است، احتمال ناپایداری ازدواج بیشتر می‌شود. به عقیده Bumpass، این اختلاف سنی ممکن است در میزان توافق بین زوجین تاثیر بگذارد و سبب بر هم خوردن توازن قوا شود. Teachman (۲۹) نشان داد که بیشترین ازدواج پایدار، آنهایی هستند که مرد یک تا سه سال از زن بزرگ تر است. همسانی آثار اجتماعی نیز در پی دارد. در مطالعاتی که بر روی ۶۷۰۶۳۱ زوج آمریکایی انجام شد تاثیر همسانی تحصیلی در فرزندآوری بررسی شد و نشان داده شد که نسبت افراد بدون بچه در زنانی که با شوهر همسان تحصیلی ازدواج کرده‌اند، حداقل است همچنین همسانی تحصیلی با متوسط سن پایین تر در نخستین ازدواج همبستگی مستقیم دارد. نتیجه گرفته شد که همسانی تحصیلی شانس شکست در زاد و ولد را کاهش می‌دهد.<sup>۱</sup>

#### موارد اختلاف

اما محل بحث در نگرش اختلاف گونه است که در این دو منظر وجود دارد. همانگونه که بیان شد بسیاری از محققان در حوزه مسائل دینی بر این باورند که نگرش اسلام در کفویت بر بعد دینی و ایمانی (ایمان و مراتب آن) تاکید دارد؛ و جنبه‌های چون همسانی قومی، طبقاتی و اقتصادی از منظر اسلام مورد اهتمام نبوده و در حیطة کفویت نمی‌گنجد<sup>۲</sup> و از سویی دیگر عده‌ای از

۱. همسان همسری از دیدگاه روانشناسی و مقایسه آن با مفهوم کفویت در فقه (سیده سمیه هاشمی نژاد، علی فقیهی، سید حمزه حسینی، سید محمود سخایی / دانشگاه علوم پزشکی بابل، نشریه اسلام و سلامت؛ دوره اول، شماره سوم، پاییز ۹۳، صفحه: ۵-۶۰).

۲. تعالیم اسلام در گزینش همسر، بر اصل کفو به معنای همتایی و همانندی تأکید دارد. به عبارت دیگر، بهتر است زن و مرد در ویژگی‌های مناسب برای ازدواج، مشابه و تقریباً همتا باشند. کفویت که مورد تأکید اولیای دین علیهم‌السلام قرار گرفته، با قاعده همسان همسری قابل تطبیق است. البته این همسانی بیشتر در مورد ایمان تأکید شده و زن و مرد را به سبب ایمان، همتای هم دانسته‌اند و ملاک‌های قومی، طبقاتی و اقتصادی را در همتایی در نظر نمی‌گیرند. بنابراین، در کنار برخوردار بودن فرد از ویژگی‌های مناسب، همتایی زن و مرد یک ملاک مهم برای گزینش همسر است. پس از همانندی و تشابه زن و مرد در اصل ایمان و باورهای دینی، تشابه مراتب ایمان و ویژگی‌های اخلاقی، نیز باید مورد توجه قرار گیرد. (مطالعات راهبردی زنان ش ۲۵ (ص ۲۲۸) (عنوان مقاله: همسر گزینی در اندیشه دینی؛ سالاری فر، محمدرضا).



روانشناسان و جامعه شناسان همسان همسری را در عصر کنونی، اصلی مسلم دانسته‌اند و تخطی از آن را جایز نمی‌دانند.

در راستای تحلیل و بدست آوردن جمع بندی صحیح، لازم است اصل همسان همسری از منظر روانشناسی و جامعه شناسی و اصل کفویت از منظر اسلام مورد تحقیق و بررسی قرار گیرد تا به برداشتی صحیح منجر شود؛

### جمع بندی

همانگونه که در صدر این مقاله بیان شد اصل در ازدواج از منظر قرآن کریم بر آرامش و ایجاد مودت و مهربانی است؛ لذا هر آنچه که از میزان این مهر و محبت بکاهد؛ باید ترک گردد. ضمن اینکه اسلام همسانی را پذیرفته اما با توجه به بعضی از نظرات محققان، اسلام بعضی ویژگی‌ها و خصایص را در حیطة ی کفویت نمی‌داند (مثل اختلاف طبقاتی و سنی و تفاوت‌های نژادی و قومیتی...). از سویی دیگر روانشناسان و جامعه شناسان معتقدند عدم همسانی به اختلافات خانوادگی دامن زده و آن را تشدید می‌کند پس هر چه این همسانی بیشتر باشد پایداری و آرامش خانواده بیشتر خواهد شد و از موارد همسانی قرابت اجتماعی و خانوادگی اقتصادی تحصیلی و شخصیتی را بیان می‌دارند.

حال این دوگانگی را چگونه می‌توان تبیین نمود؛

در راستای تبیین مطلب فوق، لازم است به نکات زیر پرداخته شود؛

نگاه اسلام و اسلام شناسان به جهان بینی<sup>۱</sup> و ایدئولوژی<sup>۲</sup> در انتخاب همسر:

۱. جهان‌بینی عبارت از تفسیر و برداشت کلی هر فرد از مجموعه هستی است. هستی شامل اموری مانند جهان مادی و ماورایی، هدف و غایت جهان، قوانین کلی حاکم بر آن، انسان و زندگی او می‌شود. هر فرد برخوردار از یک جهان‌بینی است که ممکن است بر استدلال، تعقل و شواهد علمی یا مبانی و استدلال‌های ساده و عامیانه، مبتنی باشد. (رک. مطهری، ۱۳۷۸: ج ۳، ص ۲۴)

۲. انواع و اقسام سیستم‌های فکری و فلسفی و... من جمله مذهب، که به نوعی در تعیین خط مشی، عمل یا موضع گیری اجتماعی موثر باشد. (اسم؛ فرانسوی). فرهنگ لغت معین.

«جهانبینی و نگرش‌های هر فرد، تأثیر مستقیمی در همسرگزینی دارد؛ چرا که معیارهای گزینش همسر، برخاسته از باورها، عقاید و خصوصیات شخصی و فردی است. از میان این باورها، اعتقاد یا عدم اعتقاد به دین، نقش مهمی را ایفا می‌کند که بر حسب آن ملاک‌های گزینش تغییر می‌یابد»<sup>۱</sup>.

اصل کفویت اسلامی، در دایره‌ی ایمان و مراتب ایمان تعریف شده است؛ با این فرض، افرادی که در دایره‌ی فرهنگ و ایدئولوژی اسلامی خود را تعریف می‌کنند و خود را مومن به خدا می‌داند و با آن مبنا و اعتقاد و فرهنگ خوی گرفته و رشد نموده اند، کفو یکدیگر محسوب می‌شوند. پس برای اینان مثلاً اختلاف طبقاتی بی‌معناست زیرا آن ایدئولوژی و جهان بینی، این را بی‌معنا می‌داند و اینان این ایدئولوژی را پذیرفتند و پایبند هستند. هر چه این درجه ایمان، کمتر و کمتر شود و سیر افول به خود گیرد، پایبندی به مبانی آن دین کمتر و کمتر می‌شود و رنگ باختن در آن فرهنگ بیشتر می‌گردد، در این صورت چنین شخصی نمی‌تواند به ایدئولوژی مثلاً عدم توجه به اختلاف طبقاتی پایبند باشد پس بخاطر عدم و یا ضعف ایمان، باید از هم طبقه خود یا از هم قبیله‌ای خود که هم کفو او هستند همسر اختیار کند. زیرا اصل در ازداج بر آرامش است پس اصل کفویت در اینجا بر این است که این چنین افرادی از هم طیف خود زن گیرند یا شوهر کنند که دچار نامهربانی در زندگی مشترک نشوند.

«باورها و اعتقادات هر فرد، مهمترین نقش را در همسرگزینی وی ایفا می‌کنند. چرا که این باورها ریشه در فرهنگ، مذهب و سنت جامعه‌ای دارد که شخص در آن پرورش یافته و با آن تعامل دارد و بر اساس همین باورهاست که الگوهای گزینش همسر در اندیشه افراد شکل گرفته و مبنای همسرگزینی آنان

۱. مطالعات راهبردی زنان « شماره ۲۵ (صفحه ۲۱۷) (عنوان مقاله: همسرگزینی در اندیشه دینی؛ سالاری فر، محمد رضا)

می‌شود.<sup>۱</sup> لذا «امام زین العابدین علیه السلام با کنیزی، که از آن امام حسن علیه السلام بود، ازدواج کرد. این خبر به گوش عبد الملک بن مروان رسید. وی در نامه‌ای به حضرت نوشت که تو شوهر کنیزان گشته‌ای! امام زین العابدین علیه السلام به او نوشت: «همانا خداوند به وسیله اسلام، پستی را بلندی بخشیده و ناقص را کامل گردانیده و از فرومایگی، به ارجمندی رسانیده است. بنابراین، هیچ مسلمانی پست نیست، بلکه پستی واقعی پستی جاهلیت است. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، خود، بنده اش را {از قوم خود} زن داد و با کنیزش ازدواج کرد».<sup>۲</sup>

طبق این روایت امام این مبنا را پذیرفته و لذا هرگز این مسئله برای ایشان محل اختلاف و نزاع نیست. اما مروانی که در آن حد از بُعد اعتقادی و ایمانی نیست که این مسئله و فرهنگ اسلامی را بپذیرد نباید به این گونه ازدواج‌ها مبادرت ورزد زیرا مرتبه پایین ایمانی او، زندگی پر از اختلاف را بشارت می‌دهد لذا باید با هم کفو و هم طبقه و هم تراز ایمانی خود ازدواج نماید که در نهایت اصل آرامش در ازدواج را نیز درک خواهد کرد.

#### نگرش اسلام به آداب و رسوم و فرهنگ‌های اقوام و ملل مختلف

حکمت ۴۰۱ نهج البلاغه: هماهنگی در اخلاق و رسوم مردم، ایمن ماندن از دشمنی و کینه‌های آنان است.

نامه ۵۳ فراز ۳۸: آداب پسندیده‌ای را که بزرگان این امت به آن عمل کردند و ملت اسلام با آن پیوند خورده و رعیت با آن اصلاح شدند بر هم مزین و آدابی که به سنت‌های خوب گذشته زیان وارد می‌کند.

«بسیاری از موضوعات و مسائل اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی معمولاً در حال تغییر و دگرگونی هستند. روزی به شکلی و روز دیگر، به شکلی دیگر ظهور و بروز می‌کنند و مورد پذیرش قرار می‌گیرند. چنان که یک مسئله

۱. همان.

۲. محمدبن یعقوب کلینی، کافی، ج ۵، ص ۳۴۶، به نقل از محمدی ری شهری، ۱۳۸۷، ص ۶۹.

اجتماعی در زمان واحد، در جوامع مختلف و از زمینه‌های گوناگون صورت‌های چندگانه پیدا می‌کند، در جامعه و سرزمینی، پذیرفته و پسندیده می‌شود و در جامعه‌ای دیگر، رد و ناپسند می‌گردد»<sup>۱</sup>.

از سویی دیگر، گاهی فرهنگ سازی در فرهنگی دیرینه و قدیمی برای طیف وسیعی از مردم آن جامعه، امری غیر ممکن می‌نماید و گاهی فرهنگی دیرینه در طول زمان رنگ باخته و جای خود را به فرهنگی دیگر می‌دهد؛<sup>۲</sup> که در این دو صورت، اگر آن فرهنگ‌ها با اصول دینی در تعارض نباشند همانگونه که گفته شد قابل اغماض بوده و دستور به پذیرش آن فرهنگ‌ها داده شده است. به هر حال اگر در فرهنگی، اصولی برای مردم تعریف شده باشد که با اصول مبنایی اسلام در تعارض و تقابل نباشد، می‌توان اغماضا آن فرهنگ را پذیرفت، خصوصاً اگر آن فرهنگ در امر خطیری چون ازدواج باشد، ازدواجی که اصلی چون آرامش و رحمت و مودت را در خود جای داده، حال اگر فرهنگ‌های اقلیمی و اجتماعی متعدد و متفاوت، اصولی را برای خود تعریف کند که اگر مراعات نشود، دچار تلاطم شده و ازدواج آنان به تلخ کامی و نامهربانی می‌انجامد؛ در این صورت چون بنای اسلام بر آرامش زوجین است باید بپذیریم که آن فرهنگ هر چند با مبنای غلط خود، جاری باشد تا خانواده به نامهربانی نگراید و آرامش خانواده‌ها حفظ شود.

با توجه به کلیت روایات و احکام، می‌توان دایره کفویت را وسیع تر از حد بیان شده دانست:

---

۱. اهداف ازدواج‌های پیامبر اکرم (ص)/ سید اسحاق شجاعی / مجله سفیر - زمستان ۱۳۸۵ - پیش شماره ۴.  
۲. حکمت ۱۷ نهج البلاغه: از امام پرسیدن که رسول خدا فرمودند موها را رنگ کنی و خود را شبیه یهود نسازید یعنی چه؟ فرمود: پیامبر این سخن را در روزگاری فرمود که پیروان اسلام اندک بودند، اما امروز که اسلام گسترش یافته و نظام اسلامی استوار شده، هر کس آنچه را دوست دارد انجام دهد.



به عکس برداشت حداقلی از مفهوم کفویت، می‌توان با نگرشی وسیع به منابع دینی برداشتی حداکثری را از مفهوم کفویت در اسلام داشت. لذا می‌توان گفت «شیعه کفایت اقتصادی، حسبی، نسبی، شغلی و جنسی و... را به‌طور مستقیم در ردیف شرایط صحت نکاح به شمار نیاورده است، ولی این شرط را از سایر احکام مربوط به ازدواج می‌توان استنباط نمود... می‌توان ادعا نمود که قانون مدنی به نوعی از لزوم کفایت اقتصادی و شغلی و جنسی در بحث آثار نکاح سخن به میان آورده است»<sup>۱</sup>.

بنابر شواهدی در منابع دینی در بسیاری از موارد یاد شده که به زعم بعضی ها، اسلام، کفویت در آنها را نپذیرفته، کفویت در آن موارد اصل است، هر چند در بعضی موارد بخاطر مصالحی، این اصل تحت شعاع قرار گرفته و اجرایی نشده باشد. مثلاً:

- کفویت سنی: «در اسلام سن مشخصی برای ازدواج پسران و دختران مقرر نشده است. اما بر حسب برخی روایات<sup>۲</sup>، افتادن فاصله زیاد بین بلوغ جنسی و ازدواج از نظر اولیای دین نامطلوب قلمداد شده است<sup>۳</sup>. در عین حال، بر اساس منابع اسلامی ازدواج در سن پایین می‌تواند زمینه عدم سازگاری همسران را فراهم نماید<sup>۴</sup>. همچنان که ازدواج با زنان کهن‌سال نیز مورد نهی منابع دینی قرار گرفته<sup>۵</sup> و از بُعد جسمی می‌تواند آسیب‌زا به شمار آید<sup>۶</sup>. از مطالعه منابع اسلامی، مطلبی در خصوص مطلوبیت تناسب سنی طرفین ازدواج به دست نمی‌آید، اما

۱. کفایت در ازدواج؛ نویسنده: دیانی، عبدالرسول؛ مجله دادرسی ۲۸؛ مهر و آبان ۸۰ (از صفحه ۱۸ تا ۲۴)

۲. میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۴۹؛ محمد بن الحسن الحرالعاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۶۱؛ محمد بن الحسن الحرالعاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۶۱.

۳. حسین بستان، اسلام و تفاوت‌های جنسیتی، ص ۱۱.

۴. محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج ۵، ص ۳۹۸.

۵. محمد بن الحسن الحرالعاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۳۶.

۶. محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج ۶، ص ۳۱۴.



توصیف قرآن کریم از همسران بهشتی، که آنان را هم سن و سال شوهران خود ترسیم می‌کند<sup>۱</sup>، ممکن است حاکی از آن باشد که تناسب سنی می‌تواند عاملی باشد تا همسران احساسات یکدیگر را کاملاً درک کنند و زندگی با هم برای آنها لذت بخش‌تر باشد<sup>۲</sup>». <sup>۳</sup> لذا بنظر، اصل از منظر اسلام، کفویت در سن است.<sup>۴</sup>

- کفویت اقتصادی: «در برخی روایات به‌طور صریح کفائت اقتصادی مدّ نظر قرار گرفته شده است، مثل این روایت که می‌فرماید: «الکفو ان یکون عقیفا و عنده یسار»<sup>۵</sup>، در روایت قدسی دیگری آمده است: «النکاح رق فاذا نکح احد احدکم ولیده فقد ارقها فلینظر احدکم لمن یرق کریمته<sup>۶</sup>». <sup>۷</sup> و «مسئله‌ای که مطرح می‌شود این است که اگر کفائت را بخصوص در جنبه اقتصادی شرط دانستیم، منظور کفائت بالقوه است یا بالفعل؟ مثلاً، ممکن است کسی کفائت اقتصادی بالفعل نداشته باشد ولی توان کارکردن داشته و مثلاً با توجه به سطح معلوماتش بتواند نفقه عیال را به عهده بگیرد. «شیخ مفید»، کفائت اقتصادی بالقوه را کافی برای کفائت دانسته است. معلوم می‌شود که به هر حال از نظر «شیخ مفید» کفائت اقتصادی شرط می‌باشد، ولی آن را منحصر در کفائت بالفعل ندانسته است.<sup>۸</sup>



۱. سوره واقعه؛ آیه ۳۷/ سوره نبأ؛ آیه ۳۳.

۲. مکارم شیرازی، ۱۳۷۰، ج ۲۳، ص ۲۲۵.

۳. معیارهای انتخاب همسر از دیدگاه اسلام (هادی حسین‌خانی نایینی).

۴. باید بین زوج و زوجه تناسب سنی وجود داشته باشد بنابراین، اگر مرد مسنی به ازدواج دختر جوانی درآید قطعاً زمینه برای تفرق و شقاق فراهم است. در ادبیات داستانی و اشعار فرهنگ غنی پارسی نیز مثالهای روشنی از توجه به این شرط شده است، به قول «شیخ اجل سعدی شیراز»: زن جوان را اگر تیری بر پشت نشیند، به که پیری در پهلو بگیرد (کفائت در ازدواج؛ نویسنده: دینانی، عبدالرسول؛ مجله دادرسی ۲۸؛ مهر و آبان ۸۰ (از صفحه ۱۸ تا ۲۴)).

۵. وسائل، نکاح، حدیث ۵، باب ۲۸.

۶. وسائل، نکاح، حدیث ۸، باب ۲۸.

۷. کفائت در ازدواج؛ نویسنده: دینانی، عبدالرسول؛ مجله دادرسی ۲۸؛ مهر و آبان ۸۰ (از صفحه ۱۸ تا ۲۴).

۸. همان (صفحه ۲۱).

- کفویت خانوادگی: تعالیم اسلام بر مناسب بودن خانواده‌ی همسر بسیار تأکید دارد و اثرات خانواده‌ی زن و شوهر را بر فرزندان به عنوان یک رکن مهم در تربیت و پرورش آن‌ها در نظر می‌گیرد.<sup>۱</sup> ازدواج با فردی که خود ویژگی‌های مناسبی دارد ولی اعضای خانواده او از صفات اخلاقی، باورهای دینی و رفتارهای مناسب برخوردار نیستند، به نحو آشکار نهی شده است.<sup>۲</sup> تأثیر خانواده بر فرزندان چه از بعد وراثت و چه تربیت، مهمترین عامل شکل‌گیری شخصیت آنهاست.<sup>۳</sup> از این رو، هرچند فرد می‌تواند با اراده و پشتکار تا حدودی بر این عوامل غلبه کند، ولی به علت اثرات عمیق و شدید این عوامل، اولیای دین علیهم‌السلام به نحو موکّد توصیه می‌کنند که وضعیت خانوادگی فرد، به عنوان یک ملاک مهم در نظر گرفته شود.<sup>۴</sup>

- کفویت هوشمندی: تحقیقات در مورد رابطه هوشمندی همسران و سعادت خانوادگی نشان می‌دهد که اگر زن یا مرد، شریک زندگی خود را کم‌هوش‌تر از خود بداند، میزان رضایت زناشویی در این خانواده‌ها کمتر خواهد بود.<sup>۵</sup>

ایاکم و تزویج الحمقاء فان صحبتها بلاء و ولدها ضیاع.<sup>۶</sup>

عن الرجل المسلم تعجبه المرأة الحسنة أیصلح أن تزوجها و هی مجنونة؟ قال علیه‌السلام: لا.<sup>۷</sup>

۱. تخیروا لطفکم فان النساء یلدن اشباه اخوانهنّ و اخوانهنّ، «محمدی ری‌شهری، ۱۳۷۹: ج ۵».

۲. ...ایاکم و خضراء الدّمن ... المرأة الحسنة فی منبت السوء» «حرعاملی، ۱۹۹۱م: ج ۱۴، ص ۱۹».

۳. اختاروا لطفکم فان الخال احد الضجیعین»، «همان، ص ۲۹»؛ «تزوجوا فی الحجر الصالح فان العرق دسّاس»، «محمدی ری‌شهری، ۱۳۷۹: ج ۵، ص ۷۸۴۸».

۴. مطالعات راهبردی زنان « شماره ۲۵ (صفحه ۲۲۶) همسرگزینی در اندیشه دینی؛ سالاری فر، محمدرضا.

۵. رک. ساروخانی، ۱۳۷۰: صص ۶۳-۶۴.

۶. بحار / ج ۱۰۰، ۲۳۷ - وسائل / ج ۱۴، ۵۶. «از ازدواج با زنان احمق دوری کنید که همنشینی با آنان بدبختی می‌آورد و فرزند او تباه و زیان آور خواهد بود.»

۷. وسائل / ج ۱۴، ۵۷ «از امام باقر علیه‌السلام سوال شد: اگر مرد مسلمانی از زن زیبای دیوانه خوشش آمد آیا صلاح است که با وی ازدواج نماید؟ فرمود: نه.»

- کفویت جسمی: توجه به زیبایی و جذابیت ظاهری، زمینه‌ اساسی میل و علاقه دو طرف به یکدیگر را که ملاک مهم دیگری برای گزینش همسر است، فراهم می‌سازد. به همین جهت، بر اساس تعالیم اسلام، نگاه به چهره و اندام فرد مورد نظر، برای ازدواج در صورتی که قصد لذتی در آن نباشد، نه تنها مجاز شناخته شده<sup>۱</sup> بلکه مورد تأکید قرار گرفته است؛<sup>۲</sup> زیرا این امر، زمینه استمرار عواطف مثبت بین زن و شوهر را فراهم می‌سازد.<sup>۳</sup> نکته حائز توجه آن است که زیبایی و جذابیت مرد یا زن، باید نسبت به یکدیگر در نظر گرفته شود؛ زیرا زیبایی یک امر نسبی است و وابسته به سلیق اشخاص؛ از این رو، بهتر است زن و مرد در نظر یکدیگر از جاذبیت لازم برخوردار باشند، هرچند در نظر افراد دیگر، زیبا به نظر نرسند.<sup>۴</sup>

«اگر صرفاً کفایت ایمانی را مد نظر قرار دهیم و زنی با قد و قامت ۱/۷۰ سانتی متری را به ازدواج مردی با قد و قامت ۱/۴۰ سانتی متری درآوریم، خودبخود زمینه قهری برای اختلاف را فراهم آورده‌ایم. یا مثلاً اگر زن بسیار زیبایی را به عقد مرد زشت‌روی درآوریم، زمینه از نظر اجتماعی برای طلاق فراهم است، بخصوص اینکه خود قانونگذار، اساسی‌ترین مورد از موارد طلاق خلع را در چنین موردی دانسته است.»<sup>۵</sup>

- کفویت جنسی: «یکی از وجوه بارز کفایت، کفایت در امور جنسی است. باید بی‌پرده سخن گفت؛ زیرا بسیاری از مشکلات از حجب و حیای بی‌جهت به

۱. اینظر الرجل الى المرأة یبرید تزویجها فی نظر الی شعرها و محاسنها؟ قال لا بأس بذلک اذا لم یکن متلذذاً، (همان، ج ۱۴، ص ۶۰؛ همه روایات باب ۳۶، صص ۵۹-۶۱).

۲. الرجل یرید ان یتزوج المرأة یجوز له ان ینظر الیها؟ قال نعم و ترقق له الثیاب لانه یرید ان یشتریها باغلی الثمن، «همان، ص ۶۱».

۳. أنه قال للمغیره بن شعبه و قد خطب امرأة: لو نظرت الیها فانه احوى ان یدوم بینكما، «همان، ص ۶۱».

۴. مطالعات راهبردی زنان « شماره ۲۵ (صفحه ۲۳۳) همسر گزینی در اندیشه دینی؛ سالاری فر، محمدرضا.

۵. دیانی، دکتر عبدالرسول، حقوق خانواده، ص ۱۷۶، انتشارات امید دانش تهران.



وجود می‌آید. به نظر ما هم در لسان ائمه معصومین علیهم‌السلام و بنا به مصالح اجتماعی، یکی از وجوه قطعی و مؤثر کفایت، برابری و همتایی جنسی است. در روایت قدسی آمده است، مردی که از نظر جنسی، همسر مورد نظر خود را پیدا نمی‌کرد، از طرف پیامبر مکلف شد که به طایفه خاصی مراجعه کند و همسر خود را از آن طایفه برگزیند.<sup>۱</sup> مثلاً: در خانواده‌ای که طبع گرم دارند، ازدواج با زن از یک خانواده سرد مزاج، جز سختی و مرارت شوهر چیز دیگری به همراه نخواهد داشت. با این مشکلاتی که از نظر اجتماعی و اخلاقی برای خانواده‌ها وجود دارد اگر مردی در اثر عدم شناخت ویژگی سرد مزاج بودن خانواده خود مبادرت به ازدواج با چنین زنی بنماید، یک عمر باید پیشیمان باشد و چاره‌ای جز تحمل ندارد! اگر این مرد دست از پا خطا کرد و مثلاً زن دیگری گرفت و یا خدای نکرده مرتکب زنا شد، در حالت اول برچسب بد را بر تن خود چسبانده و در حالت دوم نیز این زنا از نظر مقررات حقوق جزا، زنا محصنه لتقی شده و مرد مستوجب رجم می‌باشد که این از عدالت خداوند دور است که نیاز را بیافریند و طریق برآورده نمودن نیاز را پاسخگو نباشد. از طرف دیگر، ممکن است زنی به دلیل داشتن طبع گرم، نیاز جنسی زیادی داشته باشد و در مقابل، مرد سرد مزاج و سیله گناه زن را فراهم آورد. چه بسا شناخت ویژگی‌های جنسی همسر، مؤثر و یا حتی مانند بوی بدن، موجب تنفر همسر را فراهم آورد در حالی که همین بوی بدن چه بسا برای دیگری موجب تحریک جنسی نیز بشود. لذا کفایت جنسی نیز بسیار مهم است و شاید این نوع کفایت، مهمترین وجه کفایت نیز باشد.

۱. «روایت این است که شخصی نزد پیامبر آمد و گفت: «تائی احمل اعظم ما يحمل الرجال... فان النساء لا يقوين على ما عندی»، یعنی: زنان تحمل مرا ندارند! حضرت به وی فرمود: خداوند متعال که تو را اینچنین آفریده حتماً برای تو نیز در زنانمانندی آفریده که بتواند تحملت کند، سپس به وی فرمود: برو و جستجو کن، کفو خود را پیدا می‌کنی. آن مرد برای بار دوم نزد پیامبر آمد و از مشکل خود شکوه کرد. پیامبر خصوصیات زنی که کفو وی باشد به او یادآور شد و مرد با تزویج زن مزبور، ارضا جنسی شد و خدمت پیامبر آمد و گفت: «حقما انی طلبت من امرأتی به فوقت علی شکلی مما یحتملنی و قد اقتننی ذلک».

خانواده‌های بسیاری هستند که تنها وجه اشتراک میان زن و شوهر در همین ملایمت و کفایت جنسی‌شان است. بارها دیده شده کسانی که هیچ‌گونه وجه مشترکی با همدیگر ندارند صرفاً به دلیل همین کفایت جنسی، سالیان متمادی همدیگر را در سایر جنبه‌ها تحمل می‌نمایند.<sup>۱</sup>

۱- ازدواج‌های که با انگیزه‌های اجتماعی، سیاسی، خانوادگی و... صورت گرفته ناقض اصل کفویت نیست:

باید بپذیریم که در بعضی از ازدواج‌ها، انگیزه‌ای غیر از صرف تزویج دنبال می‌شود؛ انگیزه‌های چون خانوادگی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و... در بعضی ازدواج‌های صورت گرفته در سیره پیامبر مکرم اسلام و معصومین علیهم‌السلام و یا سفارشات بر ازدواج‌های از جانب پیامبر، این انگیزه‌ها بعینه مشهود است. این دست از ازدواج‌ها که بخاطر این انگیزه‌های صورت گرفته است نمی‌تواند داخل در چارچوب وضع قانون کلی برای ازدواج باشد و اصل کفویت را رد نمایند. مثلاً ازدواج‌های پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم که به جز یک مورد با زنان بیوه صورت گرفته<sup>۲</sup> نمی‌تواند قانونی برای مطلوبیت ازدواج با زنان بیوه محسوب شود زیرا «دوشیزگی و بکارت از جمله خصوصیات جسمی است که در منابع دینی بر آن تأکید شده است. به عنوان نمونه، خداوند متعال در توصیف همسران بهشتی، آنان را زنانی معرفی می‌کند که هیچ انس و جنی با آنها تماس نگرفته و دوشیزه‌اند.<sup>۳</sup> در روایات<sup>۴</sup> اولیای الهی نیز موضوع دوشیزه بودن فردی که برای ازدواج انتخاب می‌شود، مورد توجه قرار گرفته است.»<sup>۵</sup> این دست از ازدواج‌ها از سوی نبی مکرم

۱. کفایت در ازدواج؛ نویسنده: دیانی، عبدالرسول؛ مجله دادرسی؛ ۲۸؛ مهر و آبان (۸۰) (صفحه).

۲. ابراهیم بابایی آملی، داستان ازدو، ص ۱۷.

۳. سوره الرحمن: آیه ۷۴.

۴. محمدبن یعقوب کلینی، کافی، ج ۵، ص ۳۲۳-۳۳۳.

۵. معیارهای انتخاب همسر از دیدگاه اسلام (هادی حسین‌خانی نایینی).

اسلام ابعادی سیاسی و اجتماعی را دنبال می‌کرده است.<sup>۱</sup> و یا ازدواج امام حسن و امام جواد علیهما السلام را نمی‌توان انتخاب غیر هم کفو نامید و اصل کفویت را رد کرد بلکه این دست ازدواج‌ها برای تأمین ابعادی سیاسی و اجتماعی صورت می‌گرفته و حتی در بعضی موارد از روی میل و اراده نبوده است.

یا مثلاً «در داستان ازدواج «جویر»<sup>۲</sup> و «ذلفاء» که به امر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله صورت گرفت شاید پیامبر به درجه ایمان و اعتقاد آنها آگاه بود که بعداً از جهت این اختلاف، شکوه نمی‌کنند و یا چون پیامبر می‌دانست که بلافاصله پس از این ازدواج، جویر شهید می‌شود، برای شکستن نظام طبقاتی مبتنی بر ویژگی‌های ظاهری، این دستور را داده باشد».<sup>۳</sup>

۲- کفویت امری نسبی است و تأمین صد در صدی آن مدد نظر دین و جامعه‌شناسی و روانشناسی نیست:

با توجه به منابع دینی، هم کفوی صد در صدی در ازدواج بی معنا است. ضمن اینکه اسلام با توجه به مطالب بالا اصل هم کفو بودن و همسان بودن را می‌پذیرد اما این به معنی تطابق مطلق و صد در صدی نیست و بنظر این روایت که «شخصی برای امام جواد علیه السلام نامه نوشت و در آن نظر حضرت را در باره ازدواج دختران خود و این که هیچ کس را همانند او هم شان خودش نمی‌یابد، جویا شد. حضرت در پاسخ چنین فرمودند: «آنچه را در مورد دخترانت بیان کردی و این که کسی را همانند خودت نمی‌یابی، دانستم؛ اما خدایت رحمت کند این امر را معیار و شرط ازدواج دخترانت قرار نده؛ زیرا

۱. نظر ما این است که ازدواج‌های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با اهداف مشخص سیاسی، فرهنگی انسانی و خیرخواهانه انجام گرفته است. (اهداف ازدواج‌های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله / سید اسحاق شجاعی / مجله سفیر - زمستان ۱۳۸۵ - پیش شماره ۴).

۲. در این داستان، جویر فردی سیاه‌پوست، کوتاه‌قد، زشت‌روی و فقیر بود (در روایت آمده زشت‌ترین سودانیها بود به ازدواج ذلفا درآمد و پس از آن پیامبر فرمود: مرد مؤمن کفو زن مؤمن است و زن مسلمان کفو مرد مسلمان است. یعنی کفایت را فقط کفایت در ایمان تلقی نمود. ریش و سنا، ج ۷، کتاب النکاح، ص ۴۴، حدیث ۱-بجارج، ص ۱۱۹، باب ۳۷.

۳. کفایت در ازدواج؛ نویسنده: دینانی، عبدالرسول؛ مجله دادرسی ۲۸؛ مهر و آبان ۸۰ (از صفحه ۱۸ تا ۲۴).

رسول اکرم ﷺ فرمود: «هر گاه کسی که اخلاق و دیانت او را می‌پسندید به خواستگاری نزد شما آمد، به وی همسر دهید؛ چرا که در غیر این صورت، فتنه و فساد بزرگی زمین را در بر خواهد گرفت.»<sup>۱</sup> اثبات کننده ی کفویت نسبی است.

بعضی با توجه به این روایت طوری برداشت نموده‌اند که حاصل این روایت عدم توجه به کفویت در بعضی خصایص است اما آنچه بنظر می‌رسد این گونه روایت‌ها کفویت را رد نمی‌کند زیرا علاوه بر اینکه این روایت نشان از اهتمام مردم عصر تشریح بر کفویت داشته، که حتی در این خصوص با امام خود مکاتبه می‌نمایند، نشان از فرهنگ سازی دارد که در آن زمان نیز در خصوص کفویت و همسانی صورت گرفته بوده و مردم آن را پیش فرض ازدواج می‌دانستند؛ و البته امام در جواب اصل کفویت را مردود نمی‌داند تا بگوییم در اسلام در بعضی خصایص کفویت بی‌معناست بلکه کفویت صد در صدی را از حیطة ی قانون و اصل کفویت خارج می‌کند. آنچه از ظاهر این روایت بر می‌آید این است که این فرد اصل کفویت را مطلق گرفته و آن را به صورت نسبی نمی‌دیده است، و در صدد یافت افرادی بوده که از همه جهت شبیه و هم کفو او باشند، شاهد این مدعا این است که هیچ کس را هم کفو دختران خود نمی‌داند؛ لذا امام در صدد تخریب این برداشت از کفویت، آن را این گونه بیان می‌کند که: «این امر را معیار و شرط ازدواج دخترانت قرار نده»، که در همه ی ابعاد هم شان و هم کفو تو باشند و همچنین شاهد دیگر این مدعا استشهادی است که امام از کلام پیامبر اسلام می‌آورد که پیامبر اسلام ملاک را اخلاق و دیانت دانسته و تطابق صد در صدی در کفویت را عامل فاسد می‌داند؛ زیرا در صورت برداشت همسانی در همه خصایص هرگز کسی با کسی هم کفو نخواهد بود و در نهایت کسی با کسی ازدواج نخواهد

کرد و این جز شیوع فاسد نیست. و در غیر این صورت این روایت با روایات مثبت کفویت در تعارض است. و باید مطرود گردد.

پس این گونه روایات کفویت در ایمان و اخلاق را از شاخص‌های اصلی کفویت دانسته و در دیگر خصایص نگاهی نسبی به کفویت دارد؛ کما اینکه کفویت صد در صدی عقلا و عرفا نیز پذیرفته شده نیست زیرا غیر ممکن است که افرادی از همه جهات شبیه هم باشند، لذا حتی آنانی که همسان همسری را در علوم جامعه شناسی پذیرفته‌اند آن را در مسیرهای زیر تعریف شده است. که تأمین یک مورد از آن که در اولویت زوجین است مفهوم کفویت را رقم می‌زند.<sup>۱</sup>

۱- همسان همسری افقی یا اشتراک در جغرافیا: یعنی دو نفری که قرار است همدیگر را ببینند و انتخاب کنند مال یک شهر و محله باشند و امکان روبرو شدن با هم را داشته باشند. البته با ظهور اینترنت و امکان روبرو شدن آدم‌ها از طریق موبایل‌های تصویری و شبکه‌های اجتماعی اعتبار این همسانی جغرافیایی را تا حدودی زیر سوال برده است. اما با این همه، در شهرها و روستاها معمولاً مردها و زنها ترجیح می‌دهند با هم محله‌ای و همشهری خود ازدواج کنند. در

۱. کفویت مشابه مفهوم همسان همسری در جامعه شناسی خانواده است. همچنان‌که همسان همسری دارای جنبه‌های متعدد است، مفهوم کفو نیز امری نسبی است و دارای مراتب متعدد است. بنابراین باید همتایی دو نفر، در جمع‌بندی همه ملاک‌ها در نظر گرفته شود. ممکن است فردی نسبت به همسرش در جنبه‌هایی بالاتر باشد، در حالی که همسر وی در جنبه‌های دیگری از او بالاتر است. در این رابطه به بعضی از کلمات اولیای دین علیهم‌السلام اشاره می‌شود: همتا و هم‌شأن به این است که فرد پاکدامن باشد و زندگی با او همراه با آسایش باشد (الکفو ان یکون عقیفاً و عنده یسار)، (مجلسی، ۱۹۸۳م: ج ۱۰، ص ۳۷۲) فردی در نامه‌ای به امام جواد علیه‌السلام اعلام می‌کند که من مثل و همانندی برای ازدواج با دخترانم نیافته‌ام. امام جواد علیه‌السلام در جواب او می‌فرماید که در مورد نیافتن مثل و مانند، فکر و توجه زیاد نکند بلکه اگر از اخلاق و دینداری خواستگاران رضایت داشت، دختران را به همسری آنان درآورد وگرنه فتنه و فساد بزرگ در زمین ایجاد می‌شود. (همان، ص ۳۷۳) امام رضا علیه‌السلام نیز می‌فرماید: «اگر ما می‌خواستیم اعضای خانواده خود را به افرادی که کاملاً همتا و هم‌شأن ما باشند، همسر دهیم، بدون همسر می‌ماندند...». (همان، ج ۷۵، ص ۳۶۷) از مجموع این سه روایت روشن می‌شود که همتایی در ازدواج امری نسبی است و لازم است در برخی شرایط زمانی و مکانی از آن صرف‌نظر شود.



فرهنگ ما حتی وطن مرد را موکول به ازدواج او می‌کنند و می‌گویند که وطن واقعی مرد وطن همسر اوست!

۲- همسان همسری عمودی یا در جایگاه اجتماعی یا اقتصادی مشترک بودن: دو نفر که کارمند و هم رده هستند یا از لحاظ درآمدی و سطح ثروت هم طبقه هستند بهتر می‌توانند با هم سازش و توافق داشته باشند. هم شغل بودن و هم طبقه بودن باعث می‌شود اختلاف‌های ناشی از تفاوت‌های اجتماعی نتواند وارد حریم زندگی زناشویی شود باعث اختلاف گردد. شاید برای همین است که آدم‌های هم شغل و هم رشته بیشتر ترجیح می‌دهند بین خود همسر مناسب را پیدا کنند.

۳- همسان همسری قبیله‌ای و سازمانی: بعضی سازمان‌ها اعضای خود را وادار می‌کنند که حتماً از بین یکدیگر زوج برای ازدواج انتخاب کنند. همین طور بعضی از فامیل‌های بزرگ به غریبه دختر یا پسر نمی‌دهند و ساختار قبیله‌ای حاکم بر فامیل اصرار دارد که همسر فرد حتماً از درون خود قبیله باشد. آنها معتقدند ورود غریبه‌ها به درون سازمان و قبیله باعث از بین رفتن یکپارچگی و اتحاد بین اعضا می‌شود. بر همین اساس مهاجرین در کشورهای جدید ترجیح می‌دهند اتفاق زناشویی در بین خودشان رخ دهد. مردمان کشور جدید هم معمولاً وقتی صحبت از ازدواج به میان می‌آید ترجیح می‌دهند با مهاجرین وصلت کمتری داشته باشند.

۴- همسان همسری طولی که در آن روی داشتن خصوصیات زیست‌شناسانه مشابه و حتی قوی‌تر بیشتر تکیه می‌شود. این ویژگی‌های زیست‌شناسانه عبارتند از قد، سن، وزن و هیکل و... البته معمولاً در این شکل از همسان همسری برد بیشتر با مردهاست چرا که هر چه قد و سن بیشتر و هیکل درشت‌تری داشته باشند برای خود امتیاز بیشتری نسبت به رقیبان قائل هستند.<sup>۱</sup>

۱. حمید کوشی منتشر شده در مجله موفقیت شماره ۲۵۲



اصل کفویت در کنار اصل تکامل قابل معناست: و البته همسانی صد در صدی به نفع زوجین نیز نخواهد بود. بسیاری از محققان در حوزه‌های جامعه‌شناسی و روانشناسی و حتی در حوزه‌های دینی برای ازدواج فوائدی<sup>۱</sup> بیان می‌دارند. که این فواید در دایره ی تکامل و مکمل بودن معنا می‌یابد.

همانگونه که در نیاز جنسی و حتی در اعضای جنسی تکوینا بعد تکامل و مکمل بودن دیده شده است: زیرا «هریک از زن و مرد به دستگاه خاصی مجهز شده است، به گونه‌ای که در عمل، هر یک کار دیگری را تکمیل می‌کند و تولید نسل برآیندی از مجموع آن دو است. پس هر یک از زن و مرد فی نفسه ناقص و نیازمند دیگری است و از مجموع آن دو یک واحد تام به وجود می‌آید که می‌تواند تولید نسل را موجب شود. به دلیل همین نقص و نیازمندی است که هر یک از آن دو به سوی دیگری کشیده می‌شود تا با پیوند با او آرامش یابد».<sup>۲</sup>

قدر مسلم در خصایص روحی روانی نیز این بعد تکاملی وجود دارد. و نمی‌توان این اصل مهم را در لواء کفویت مخفی نمود و از آن یاد نکرد کما اینکه این امر در میان محققان جامعه‌شناسی و روانشناسی نیز مطرح است. زیرا «در مقابل نظریه همسان همسری، یک نظریه دیگر جامعه‌شناسی می‌گوید که انسان‌ها، طالب ازدواج با کسانی هستند که نیازهای ایشان را برآورده سازند و زندگی آنها را تکمیل کند. مدافعان این نظریه ناهمسانی همسران معتقدند که طرف مقابل باید چیزهایی داشته باشد که طرف اول نتواند به تنهایی برای خود فراهم سازد و این دو در کنار یکدیگر نیازها و صفات ناقص خود را تکمیل کنند.

۱. تجربه‌های خیلی قطعی نشان داده که افراد پاک مجرد که به بهانه اصلاح نفس ازدواج نکرده‌اند و یک عمر مجاهده نفس کرده‌اند، اولاً اغلب‌شان در آخر عمر پشیمان شده و به دیگران گفته‌اند ما این کار را کردیم، شما نکند و ثانیاً با این که واقعاً عالم بودند، تا آخر عمر همچنان یک روحیه بچگی و خامی در آنها وجود داشته است. این نشان می‌دهد که نوع از پختگی و تکامل جز در پرتوی ازدواج و تشکیل خانواده پیدا نمی‌شود. بنابراین، هرگز یک کشیش و یک کاردینال به صورت یک انسان کامل در نمی‌آید، اگر واقعاً در کاردینال خودش صادق باشد (مطهری، ۱۳۷۳، ص ۳۹۷).

۲. طباطبایی، بی تا، ج ۱۶، ص، ۱۶۶.

اینکه بعضی از آدم‌های چاق و قدبلند دوست دارند با زنان کوتاه و لاغر ازدواج کنند و یا افراد برون گرا ترجیح می‌دهند شریک زندگی شان درون گرا باشد، جزو شواهدی است که پیروان نظریه ناهمسان همسری برای اثبات درستی نظریه خود عنوان می‌کنند. آنها می‌گویند اگر زن و شوهر هر دو درون گرا و گوشه گیر باشند، بعد از ازدواج هر کدام به کنج خلوت خود می‌روند و یک زندگی سرد و خنک و بی مزه را شکل می‌دهند. اما اگر یکی از آنها مخالف دیگری باشد می‌تواند نقص و کمبودها را جبران کند و آن پیوند را به تعادل برساند.

ناگفته نماند که مخالفان نظریه همسان همسری معتقدند که عین هم بودن و شباهت کامل به یکدیگر بیشتر نتیجه فشار سنت و فرهنگ غالب جامعه است و هر چه جامعه‌ای باز تر و مدرن تر می‌شود گرایش زن و مرد به انتخاب همسر همسان کمتر و جسارت و قدرت ریسک زوجین در پذیرش افراد ناهمسان بیشتر می‌شود.<sup>۱</sup> در مقابل این دیدگاه مدافعان نظریه همسان همسری اینگونه جواب داده‌اند: «از لحاظ نظری همسران ناهمسان ظاهرا با صفات مکمل خود زندگی شان را متعادل و آرام می‌سازند. ولی متأسفانه در عمل می‌بینیم که اکثر اوقات ناهمسانی و ناهمگونی خود مایه اختلاف می‌شود و بلافاصله از روز بعد از ازدواج تفاوت‌ها به عنوان عاملی برای جدایی روی هم تلنبار می‌شوند. از آن جا که در بین همسران ناهمسان وجه و زبان مشترک زیادی بین طرفین وجود ندارد به محض فرارفتن اختلافات از یک آستانه مشخص، زمزمه جدایی و طلاق بلافاصله بین زن و شوهر شروع می‌شود و اکثرا در همان پنج سال اول طلاق اتفاق می‌افتد. در این مواقع معمولاً تنها امید برای ادامه وصلت، جستجو و یافتن جوهری همسان و مشترک بین زوجین است. که به خاطر ناهمسانی غالباً با شکست مواجه می‌شود. به راستی وقتی چسب نگهدارنده پیوند زناشویی دو نفر

۱. حمید کوشی منتشر شده در مجله موفقیت شماره ۲۵۲.

وجوه اشتراک و همگونی‌ها و شباهت‌هاست. پس چه نیازی به اصرار در پیوند دادن دو نفر کاملاً نامشابه به یکدیگر است؟!<sup>۱</sup>

آنچه در این جواب آمده خود نشان از یک سوی نگری به این قضیه است یعنی نگرشی صفر و صدی در این قضیه، بن بسته‌های اینچینی بوجود می‌آورد که یا باید اینگونه باشد یا آنگونه.

بنظر هیچ خللی در مبانی دو طرف دیده نمی‌شود. هم استدلال همسان‌گزینی درست است و هم استدلال ناهمسان‌گزینی؛ نمی‌توان ادله ناهمسان‌گزینی را نادیده گرفت زیرا ادله‌ای متقن دارند، همانگونه که جسم نیازمند به مکمل است، روح نیز نیازمند مکمل خود است و کسی در این خدشه نخواهد کرد که مثلاً حس محبت در مرد و زن متفاوت است زیرا در زن با حس مادری و احساسات بیشتر نسبت به مرد بروز می‌یابد و در مرد با حس پدری و اقتدار بیشتر در مقابل زن تجلی می‌کند.<sup>۲</sup> و تالیف کتاب‌های در زمینه‌ی تفاوت زن و مرد،<sup>۳</sup> خود گواه بر این است که زن و مرد در کنار یکدیگر مکمل یکدیگر محسوب می‌شوند. پس نمی‌توان این را صرفاً از لحاظ نظری و تئوری پذیریف اما در عمل به کار بست و در عمل منکر آن شد. از سوی دیگر همسان‌همسری را نیز نمی‌توان مردود دانست. پس به نظر راه علاج همان برداشتی است که از مبنای اسلامی به دست می‌آید. و آن اینکه اسلام اصل را بر هم کفو بودن زن مرد می‌داند و تکامل و مکمل

۱. همان.

۲. برخی تفاوت‌های زیستی و روان‌شناختی سبب شده که هر کدام از مرد و زن بتوانند در زندگی مشترک و خانوادگی نقش‌های متفاوتی را بر عهده بگیرند و یک خانواده‌ی متعادل را پدید آورند، مقصود از آفرینش انسان‌ها به صورت زوج، همین است. به طور مثال توانمندی عاطفی بالای زنان و قدرت جسمی بیشتر مردان برای آن است که زن و مرد دو نقش تکمیلی در کنار هم ایفا نمایند. زن، با محبت مادری، فرزندان را رشد دهد و مرد با کار کردن خود نان آور خانواده باشد.

۳. اگر تمام مطالب کتاب را فراموش کردید همین قدر یادتان باشد که زن و مرد با هم تفاوت دارد. (مردان مریخی و زنان ونوسی / اثر: John Gray).

## کفویت زوجین

شدن را در تحت رداء هم کفو بودن مفهوم می‌بخشد. یعنی اینکه انسان‌ها در انتخاب همسر می‌بایست به گرایش‌ها و نگرش‌های ایدئولوژیکی و مبنایی توجه ویژه داشته و هم مسیر باشند در خصایص اخلاقی، اجتماعی، شخصیتی نیز به یکدیگر نزدیک باشند و همسانی نسبی را دارا باشند (نه اینکه از هم دور باشند که ناهمسانی مفهوم یابد)؛ هر چند شاید در میزان و رتبه‌ی این خصایص برابر نباشند و یا حتی در بعضی مسائل که از اولویت‌ها آنها نیست اصلاً هم کفو نباشند که در این دو صورت زوجین در سیر تکامل بخشی به یکدیگر بر خواهند آمد و در زندگی مشترک از همدیگر دست‌گیری نموده و مکمل یکدیگر خواهند بود.

### نتیجه گیری

کفویت و همسانی با توجه به مباحث بیان شده این گونه تبیین می شود که افراد ضمن قرابت در جنبه های مختلف مکمل یکدیگر نیز هستند. همسانی و کفویت یک امر نسبی بوده و صد در صد آن غیر ممکن است؛ چرا که امکان دارد افراد همسان باشند اما سطح این همسانی کم و زیاد باشد و یا در بعضی جنبه ها نا همسان باشند که در این دو صورت بعد مکمل بودن خود نمایی می کند.

۸۱

و با توجه به منابع دینی، اولویت کفویت زوجین در همسانی دینی و مراتب ایمان و اخلاق است اما با توجه به بیان بعضی خصایص زوجین و ملاک های بیان شده در انتخاب همسر و از آنجا که این خصایص و ملاک ها دوسویه است می توان گفت که منابع دینی در مراحل بعدی به کفویت در ابعاد جسمی، جنسی، خانوادگی، اقتصادی و هوشمندی و... نیز توجه دارد.

